

بازی با حقوق بشر

المهام اخلاقی

در دنیای پیچیده و آشفته‌ای که زندگی می‌کنیم، ۲۰ آذر، روز جهانی حقوق بشر، باید روزی باشد برای تجدید عهد با ارزش‌های انسانی و عدالت. اما در بسیاری از نقاط جهان، این روز یادآور حق‌های ازدست‌رفته، آرزوهای نیمه‌تمام و صدا‌های بی‌پاسخ مردمی است که سال‌ها زجر کشیده‌اند.

داستان‌های تلخ از زادگاه امید

در کوچه‌پس‌کوچه‌های غزه، کودکی بی‌پناه نشسته، با چشمانی خیره‌به‌خرابه‌های خانه‌ای که روزی محل بازی و خوشی‌های کودکی‌اش بود. در همان کوچه‌ها بود که مادرش را از دست داد؛ با گلوله‌ای که هویتش هرگز برای او روشن نشد. اما واقعیت این است که این گلوله به دست نظامیان صهیونیستی شلیک شد؛ گلوله‌ای که روح و جسمش را جراحت داد و او را ناامید از جهانی کرد که حقوق بشری را شعار خود می‌داند! این داستان تلخ اما تکراری است؛ نه تنها در





فریادهایی که به سکوت نمی‌انجامند

در این میان، صدای مظلومان، از کرانه رود اردن تا کوه‌های لبنان و از صحرای سوریه تا شهرهای جنگ‌زده یمن، همچنان به سوی جهان بلند است. این مردم با وجود تمام مصائب و مشکلات، همچنان امید و آرمان‌های خود را از دست نداده‌اند. کودکان و زنانی که در میان آوار زندگی می‌کنند، با قلب‌هایی پر از ایمان و قدم‌هایی استوار، همچنان برای آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنند.

نیاز به تغییری جهانی

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تغییر است؛ تغییر در دیدگاه و عملکرد، و تغییر در سیاست‌ها و منافع. ۲۰ آذر باید روزی باشد که جهانیان به فکر فرو روند و بفهمند حقوق بشر چیزی بیش از یک واژه است. حقوق بشر باید به موضوعی روزمره و واقعی در زندگی همه مردم تبدیل شود. این داستان هنوز پایان نیافته است و هر کدام از ما می‌توانیم جزئی از این تغییر باشیم. هر کدام از ما می‌توانیم صدای مظلومان باشیم؛ حتی اگر سازمان‌های بزرگ جهانی سکوت کرده باشند. امروز، بیش از هر زمان دیگر، نیاز داریم با همبستگی و اتحاد، به سوی جهانی بهتر و عادلانه‌تر پیش برویم. ۲۰ آذر روزی است که باید به یاد آوریم هر کدام از ما در برابر مظلومان وظیفه‌ای داریم؛ وظیفه‌ای که نمی‌توان از آن چشم پوشید. امید داریم و دعا می‌کنیم با ظهور حضرت حجت (عج)، ریشه ظلم در جهان برکنده شود.

سید حسن نصرالله، با شهادتش، ثابت کرد که آرمان‌های حق و حقیقت قابل خرید و فروش نیستند. او جان خود را نثار کرد تا یادمان باشد که حتی در دنیایی مملو از بی‌عدالتی، همیشه جرقه‌ای از امید وجود دارد

غزه، بلکه در سرتاسر خاک فلسطین. نسل‌های متمادی در این سرزمین با امید به زندگی، اما با دست‌هایی پر از خاک و خون به آینده نگاه می‌کنند؛ گویا فردای روشن برای آنان سرایی بیش نیست.

در قلب لبنان، سید حسن نصرالله همچنان نماد مقاومت و ایستادگی است. او با هر سخنرانی خود نور امید را در دل ملت‌های تحت ظلم زنده نگه می‌داشت. نصرالله، مردی که خود نمونه‌ای از ایمان و مبارزه بود، به ما یادآوری می‌کند، حقی که برای آن جنگیده‌ایم، ارزش دارد که حتی جانمان را برایش نثار کنیم. داستان او نمایانگر رنج و مقاومت ملت‌های مظلوم و ظلم‌دیده است؛ ملتی که برای عدالت می‌جنگد، حتی اگر جهان بی‌رحم و بی‌تفاوت باشد. در این میان، قصه قهرمانان مظلوم دنیا، از لبنان و فلسطین تا یمن و سوریه، همچنان ادامه دارد. سید حسن نصرالله، با شهادتش، بار دیگر ثابت کرد که آرمان‌های حق و حقیقت قابل خرید و فروش نیستند. او جان خود را نثار کرد تا یادمان باشد که حتی در دنیایی مملو از بی‌عدالتی، همیشه جرقه‌ای از امید وجود دارد.

سکوت سنگین سازمان‌های حقوق بشری

اما سؤال اینجاست: این سازمان‌های حقوق بشری که خود را مدافع عدالت و حقوق می‌دانند، در این همه بی‌عدالتی چه نقشی دارند؟ چرا سکوت کرده‌اند؟ بسیاری از این سازمان‌ها زیر فشارها و منافع اقتصادی و سیاسی قدرت‌های بزرگ - به‌ویژه آمریکا - دست به سکوت می‌زنند. آمریکا، که خود را پرچم‌دار مردم‌سالاری و حقوق بشر می‌داند، همچنان به حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل ادامه می‌دهد؛ حمایتی که نه تنها به مظلومان کمکی نمی‌کند، بلکه بر درد و رنج آنان می‌افزاید. سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی، که زمانی امید مردم تحت ستم بودند، حالا با سیاست‌های دوگانه و سکوت مرگبارشان، به جای دستیابی به عدالت، به مانعی برای تحقق آن تبدیل شده‌اند. این سازمان‌ها گاه با بی‌اعتنایی به درد و رنج ملت‌ها و گاه با اتخاذ مواضع ضعیف، اعتماد بسیاری از افراد را از دست داده‌اند.